

چکیده مطالب جلسه 37 درس خارج اصول آیت‌الله اراکی

سال تحصیلی 98 - 99

چند نکته در تتمه‌ی مبحث استثناء:

1. عموم محققین، بحث از مفهوم استثناء را معمولاً ذیل مفهوم حصر می‌آورند و حصر را به ادات استثناء و ادات حصر دیگر، تقسیم می‌کنند. اما در بیانات استاد شهید صدر برای «مفهوم استثناء» عنوان مستقلی در نظر گرفته شده و ما هم از ایشان تبعیت کرده‌ایم و مفهوم استثناء را به صورت عنوان مستقل آورده‌ایم و آن را زیر مجموعه‌ی مفهوم حصر نمی‌دانیم؛ و آن به دلیل وجود دو نکته که باعث تفاوت بین حصر و استثناء است:

اول: «استثناء» خودش نسبت حصری نیست، بلکه نتیجه‌ی استثناء، حصر است و خود استثناء اخراج بخشی از موضوع از حکم عام است و این اخراج غیر از حصر است.

دوم: در «استثناء» حصر، مفاد نسبت تامه است. و استثناء، نسبت تامه بین مستثنی و مستثنی منه است که حصر را نتیجه می‌دهد؛ اما در «حصر» در نسبت ناقصه است و از مفاهیم مفرده است مثل «انما» و همچنین اگر دال بر حصر هیئت باشد: مثل «تقدیم ما حقه التأخیر» که این جا هم دلالت بر حصر دلالتی از نوع دلالت ناقصه است. اما «استثناء» خود دلالت تامه دارد.

لذا ما استثناء را به عنوانی مستقل از حصر ذکر کرده ایم.

2. مراد ما از استثناء، استثنای متصل است و استثنای منقطع خارج از بحث ماست زیرا مراد ما از استثناء خروج بخشی از تحت حکم عام است که در استثناء متصل موجود است، اما استثنای منقطع در اصل دو جمله است که در ظاهر به شکل استثناء در آمده‌اند: حَوَّ مَا أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ بِأَلْتِي تُقَرَّبُكُمْ

چکیده مطالب جلسه 27 درس خارج اصول 2

عِنْدَنَا رُفْقَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي
الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ^۱ یعنی مثل این است که بگویند اموال و اولاد شما را مقرب
نمیکند و آنچه مقرب میکند عمل صالح و ایمان است و این دو جمله فقط به
صورت استثناء آمده است. و همچنین در آیه **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي
الْقُرْبَى**^۲ که د این آیه هم استثناء منقطع است و اجر بودن مودت در قریبی
غیر از اجری است که برای رسالت است و به معنای اجر تکوینی است یعنی
اگر می‌خواهید نتیجه اعمال من به بار بشیند مودت به اهل بیت داشته باشید و
خلاصه آن اجر، غیر از اجری است که در مستثنی منه است.

3. بعضی از بزرگان از قبیل مرحوم شیخ برای اثبات مفهوم استثناء اینطور
فرموده‌اند که خود کلمه توحید «لا اله الا الله» دلالت بر وجود مفهوم در استثناء
می‌کند به این دلیل وقتی مشرکان نزد رسول اکرم؟ صل؟ می‌آمدند و کلمه توحید
را به زبان می‌آوردند، حضرت از آنها می‌پذیرفت و این پذیرش به معنای این
بوده است که معنای این جمله، حصر الوهیت در خداوند متعال است و این
نشانه‌ی مفهوم است.

اشکالی بر این استدلال گرفته شده: «لا اله الا الله» خبر مقدری دارد و خبر یا
«موجود» است و یا «ممکن» است. اگر بگویید «ممکن» خبر است، نتیجه‌اش
امکان وجود الله است. معنایش اینطور می‌شود که «هیچ خدای ممکن نیست
مگر الله که ممکن الوجود است». اما اگر بگویید «موجود» خبر باشد؛ یعنی در
عالم خدای دیگری جز الله موجود نیست. اما این نفی امکان وجود خدا در عالم
را نمی‌کند و این توحید ناقصی است؛ لذا این استدلال درست نیست.

اما صاحب کفایه در جواب این اشکال می‌فرماید: با توجه به قرائنی که
وجود دارد، مراد نفی وجود و امکان هر دو می‌باشد.

محققان دیگر در اینجا هم جواب این اشکال را داده‌اند و هم از سویی جواب
صاحب کفایه را نپذیرفته‌اند:

۱. سوره سبأ: ۳۷.

۲. سوره شوری: ۲۳.

چه «ممکن» و چه «موجود» را در تقدیر بپذیرید، نتیجه نفی امکان وجود است؛ زیرا اگر امکان وجود داشته باشد وجود هم دارد و اگر امکان نداشته باشد وجود هم نیست. به این دلیل که ذات خدا، واجب الوجود است و وجود او امکانی نیست؛ لذا اگر امکانش باشد حتما وجود پیدا می‌کند و اگر وجود ندارد؛ یعنی قطعا امکان نداشته است. در نتیجه «لا اله الا الله» یعنی لا واجب الوجود الا الله که هر کدام چه موجود باشد و چه ممکن نتیجه یکی می‌شود.

سخن ما: این مطلب درست است که در عالم معنا برای واجب الوجود، حصر وجود و حصر امکان متلازم است اما آنچه در این جمله آمده «اله» به معنای معبود و مطاع است. این نکته ای است که مورد غفلت قرار گرفته که دعوی انبیا بر سر وجود آفرینندگی خدا نبوده بلکه بر سر اطاعت بوده است. «اله» به معنای: «یعبد ویستحق العباد» است؛ یعنی کسی که پرستیده می‌شود و مستحق عبادت است. و این حصر عبادت دلالت بر سه معنا دارد:

1. جمیع صفت کمال در خدا؛ زیرا کسی استحقاق اطاعت دارد که عین الحق و عین العدل باشد؛

2. حصر امکان در «الله» باری تعالی؛

3. حصر وجود در «الله» باری تعالی.

پایان